

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[برگرفته از سایت: [بژواک ایران](#)]

[تاریخ: ۱۴ اسفند ۱۳۸۹]

سرگذشت گورستان هایی به نام گلستان جاوید

وديعه کریمان

در هفته های اخیر، از مشهد خبر رسیده که مسئولان حکومتی با به تعویق انداختن صدور جواز دفن یکی از درگذشتگان بهائی در گورستان بهائیان شهر، دوباره اقدام به آزار جامعه بهائی مشهد نموده اند. خانم زینت قربانی که در ۲۵ دی ۱۳۸۹ از دنیا رفت، طبق اخبار رسیده دومین فردی است که دفن جسدش در گورستان بیش از ۲۵ ساله بهائیان مشهد از سوی مسئولان حکومتی با مشکل مواجه می شود. ظاهراً مسئولان در صددند که محل دیگری را به عنوان گورستان به بهائیان مشهد بدهند و گورستان فعلی را از این جامعه بازپس گیرند. بهانه این کار هم ظاهراً واقع شدن گورستان بهائیان در مکانی سرسبز و مورد استفاده عموم است.

این که گورستان بهائیان در مکانی سرسبز واقع شده و مردم برای تفریح از گوشه و کنار به این مکان و حواشی آن می آیند، صحیح است. اما این بدان معنا نیست که مسئولان در بیش از بیست و پنج سال پیش مکانی سرسبز به بهائیان داده اند تا مردگانشان را آنجا دفن کنند. در حقیقت این مکان سرسبز که عده ای آن را تفریحگاه خود می دانند، از روز اول چنین نبوده.

اینجا مکانی دورافتاده در دره ای خشک بوده که مسئولان پس از ویران کردن گورستان قبلی بهائیان مشهد، برای دفن درگذشتگان به بهائیان دادند. اما برای آمدن به اینجا که اکنون تفرجگاه مردمان شده، به مدت چندین و چند سال باید از جاده خاکی و صعب العبوری می گذشتی؛ گذشته از این، آن وقت ها به جای درختان، با انبوه اجساد حیوانات و زباله مواجه می شدی و حشراتی که برای افراد مزاحمت ایجاد می کردند. تصویر آن زمان این گورستان، هنوز هم در بسیاری از شهرهای ایران دیده می شود: چون گاهی مسئولان در آزار بهائیان، به دادن زمین های دورافتاده و بد مسیر جهت گورستان اکتفا نمی کنند و محل دفع زباله و فاضلاب شهری را به نزدیکی گورستان های بهائی منتقل می کنند، حتی اگر از ابتدا و به عمد زمینی را در نزدیکی چنین مکان های متعفن برای گورستان در اختیار بهائیان نگذاشته باشند.

علت اصلی دادن چنین زمین هایی صرف نظر از تحقیر جامعه بهائی و آزار و اذیت ایشان، این است که اساساً بهائیان را گمراه و خارج از دین می دانند و نمی خواهند هم میهنان عزیز مسلمان از دروغ بودن چنین ادعایی و از عقاید بهائیان در خصوص اعتقاد به خدا و عالم بعد و بقای روح و مراسم معنوی خاکسپاری آگاه شوند و سوء تفاهماتشان رفع گردد.

دست بر قضا و ناخواسته، سال ها گذشت تا شهرداری زمین های اطراف گورستان بهائیان مشهد را با درخت کاری و جمع زباله، به فضای سبز تبدیل کرد. بهائیان نیز که اساساً گورستان های خود را «گلستان جاوید» می نامند، زمین را نهال کاری کردند و در زیباسازی محیط نهایت تلاش را نمودند. بهائیان مشهد از پیر و جوان هر یک در حدی که می توانست در این فرایند کمک کرد؛ یکی در جمع آوری زباله، یکی در کاشتن نهال ها، دیگری در ساختن غسال خانه و آبدارخانه و سکوهای محل نشستن و از این قبیل. تمام این خدمات و نیز خدمات جاری گورستان، کارهایی چون حفر

زمین و شستن جسد، مثل دیگر امور اداری و خدماتی جامعه بهائی به صورت داوطلبانه و بدون دریافت کوچک ترین هزینه از مسئولان دولتی انجام شده.

از این گذشته، گورستان بهائیان مشهد هم مثل گورستان های شهرهایی چون سمنان، ویلاشهر، گیلاوند، تهران، یزد و چندین و چند شهر دیگر، به گزارش سرویس خبری جامعه بهائی، «در شامگاه ۸ خرداد ۱۳۸۹ توسط مزاحمان ناشناس تخریب شد و دیوارهای گورستان، غسال خانه و محل دعا و نماز به شدت خسارت دید.»

چندین و چند نفر از مسئولان بهائیان شهرهای ایران را دیده ام که برای دریافت تکه ای زمین برای گورستان بهائی مدت ها وقت صرف کرده و صدماتی را نیز متحمل شده اند، از جمله در کرج دو تن از بهائیان شهر هنگام مراجعه برای دریافت زمین برای گورستان، بازداشت و ۱۵ سال زندانی شدند؛ جوان زندانی شدند و میانسال آزاد شدند. در این مدت متهمان و خانواده های شان را تحت فشار روحی قرار دادند به طوری که چندین بار به خانواده های آنان اجازه ملاقات داده و گفته شد که این ملاقات آخر است و دو نفر به زودی اعدام خواهند شد. عفو بین الملل در گزارش اردیبهشت ۱۳۷۴ خود درباره «سرپوش رسمی جمهوری اسلامی بر سرکوب و اختناق» درباره این دو نفر به نام های کیوان خلج آبادی و بهنام میثاقی می نویسد:

«در آوریل سال ۱۹۸۹ در گوهر دشت دستگیر شده و بدون هیچ اتهام یا محاکمه ای تا تاریخ دسامبر ۱۹۹۳ در بازداشت نگهداشته شده اند تا این که در این تاریخ از طرف دادگاه انقلاب اسلامی تهران حکم اعدام شان صادر شده است. بنا بر گزارش ها علت این امر اعتقادات مذهبی این افراد است. محل بازداشت فعلی آن ها معلوم نیست.» (۱)

با این حال کم نبوده مواردی که به خاطر محرومیت بهائیان از داشتن گورستان در بعضی شهرها، جسد درگذشتگان بهائی ساعات و روزها روبروی شهرداری بر زمین مانده و مسئولان رسیدگی نکرده اند؛ چه بسا گورستانی بوده، ولی جواز دفن صادر نشده، برای ورود تشییع کنندگان به گورستان مزاحمت هایی پدید آمده و قبرها مورد حمله و هتک حرمت واقع شده اند. و اینها صرفاً چند نوع از مزاحمت هایی است که در راه کفن و دفن درگذشتگان بهائی ایجاد شده و موارد مفصلی از آنها در سرویس خبری جامعه بهائی و یا دیگر خبرگزاریها منعکس شده است.

علاوه بر این، گورستان بهائیان مشهد اجساد افرادی را در خود دارد که فقط و فقط به خاطر بهائی بودن و یا کمک در امور جامعه بهائی به دست حکومت اعدام شده اند: جناب روح الله روحانی که آخرین نفری بودند که رسماً توسط حکومت و به خاطر رسیدگی به امور اداری جامعه بهائی مشهد دستگیر و بدون اطلاع اعدام شدند، در سال ۱۳۷۷؛ زمانی که به نظر می رسید رویه حکومت در کشتار بهائیان تغییر کرده و از خشونت ها اندکی کاسته شده؛ سرهنگ نصرت الله وحدت که اکنون پس از بیش از ۲۵ سال از اعدام شان، (۱۳۶۳) فرزندشان جلاپیر و داماد و نوه شان، داور و نورا نبیل زاده، با اتهامات ناروا دست و پنجه نرم می کنند؛ جناب فیروز پردل که ایشان نیز در سال ۱۳۶۳، در حالی که دو فرزند خردسال داشتند (۲)، اعدام شدند و چندی پیش، در تیر ماه امسال، مشکلاتی بر سر راه صدور جواز دفن برای مادرشان، خانم مرضیه غلامی، در همین گورستان مشهد پیش آوردند، به این صورت که جسد را در سردخانه نگه داشته و از تحویل آن به خانواده برای تدفین خودداری کردند و صدور جواز دفن را منوط به پرداخت مبلغ ۳۶۰ هزار تومان برای «خدمات» اعلام نمودند. (۳)

به نظر می رسد علت این امر نیز مثل انواع دیگر آزار که به بهائیان روا می دارند، اعتقادات آنان و خدمات بی دریغ شان به وطن محبوب است که هنوز عده ای نسبت به آن دچار بدبینی هستند. عجیب است؛ زمینی که خود سال ها پیش به بهائیان داده اند و بهائیان آن را گلستان جاویدی ساخته اند، باز پس می گیرند و سنگزاری دیگر در نقطه ای دورافتاده به ایشان می دهند، مکانی به «مساحت بسیار کم»، «در ۴۰ کیلومتری خارج شهر مشهد و در جاده ای ناامن و نامناسب» و «فاقد هر گونه امکانات برای مراسم خاک سپاری»، مکانی که «زمینش چنان سخت است که گود کردن آن و حفر گور با دشواری فراوان» روبروست (۴)، شرایطی که با وضع «سابق» گورستان فعلی بهائی شباهت های انکارناپذیری دارد... گویی تاریخ دوباره تکرار می شود.

کاش اندکی فکر می کردند که چرا بهائیان یک زمین خشک را نهال می کارند، در آن سکو می سازند و زباله هایش را جمع می کنند و در ارائه خدمتی به آن داوطلبانه و با سرور قلبی شرکت می کنند. چرا بهائیان گورستان ها را «گلستان» می خوانند؟ این زمین ها گلستان است چون پذیرای اجساد است که روزی روح انسانی به آنها تعلق داشته و روح انسانی در باور بهائیان شریف است، ملکوتی است، کرامت دارد، قابلیت آن را دارد که با تعلق به همان

جسدی که اکنون به خاک سپرده شده، خدماتی به هموعان خود ارائه کند و در نتیجه سرفراز و شاد و راضی به عالم بالا رود و صعود کند. جسدی که روزی حامل چنین روح انسانی بوده قابل احترام است و گورستان نیز بیش از آن که مکان عزا و غم باشد، مکانی ست برای تفکر، تفکر دربارهٔ مردمانی که «جان خود را بر جهان افزوده اند»، تفکر در این که دیر یا زود روزی می رسد که من نوعی هم خواهم رفت و باید برای این مدت باقیمانده ام چاره و برنامه ای کنم تا زندگی پویایی داشته باشم و شاد و راضی بروم. به این بیندیشم که حیف است در اینجا مثل یک کودک نابالغ در فکر اهداف کوتاه مدت خود باشم، سرم در کار خودم باشد و اگر هم رابطه ای با دیگران دارم با خودخواهی و ظلم آمیخته باشد، حیف است مثل کودکی نادان باشم که نصیحت پدر مهربان را پشت گوش می اندازد و از رشد و بلوغ، از خدمت به یگانگی و از خدمت به نوع انسان باز می ماند.

۱. بنیاد برومند: <http://www.iranrights.org/farsi/document-103.php>

۲. [http://khabarnavard.blogspot.com/2010/07/blog-post\\_20.html](http://khabarnavard.blogspot.com/2010/07/blog-post_20.html)

۳. <http://news.persian-bahai0.info/2010072109>

۴. <http://www.hra-news.org/1389-01-27-05-24-07/6338-1.html> و

[http://khabarnavard.blogspot.com/2011/01/blog-post\\_19.html](http://khabarnavard.blogspot.com/2011/01/blog-post_19.html)

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]